

از بردگی به فرزندی (غلاطیان ۴ : ۴ - ۷)

آیا شما از یک خانواده بر جسته و مهم هستید ؟ آیا بیشنیمان شما مایه مباحثات شما هستند ؟ بسیار خوب، اگر شما پیرو مسیح هستید ، هر که باشید و گذشته شما هر چه باشد، مهم نیست ، شما دیگر به محترمین خانواده در دنیا تعلق دارید.

خیلی سخت است که ما علاقه ای به دانستن پیشینه و تاریخ خانودگی خویش نداشته باشیم ، ما به خیلی از مردم تعلق داریم حتی اگر در مورد آنان چیزی نشنیده باشیم .

در باب چهارم رساله به غلاطیان ، پولس رسول در مورد ارتباط و وابستگی مهمترین خانواده در دنیا صحبت می کند! و شرح می دهد که این ارتباط خانوادگی چگونه ایجاد شده است و آنچه که با ما ارتباط دارد و نیز چگونه شما و من می توانیم جزیی از این خانواده خدا گردیم . (رساله به غلاطیان ۴ : ۷-۴)

پولس در این قسمت از رساله اش به کلیسای غلاطیه سعی بر این داشته تا هدف قانون و شریعت خدا را شرح دهد . مبنای مباحثه او بسیار ساده است و چنین می گوید که : شریعت نمی تواند خود مفهوم دلیل و توجیه باشد . از نظر تئوری شریعت می تواند شایستگی نجات و رستگاری را دارا باشد اگر تمامی شریعت و قوانین خدا را بطور کامل و عالی و دقیق اجرا گردد . اما از آنجا که هیچکس حتی نمی تواند به این معیار حتی کمی هم نزدیک شود ، نتیجه عملی شریعت اینست که به ما نشان می دهد در نجات شخصی خودمان توسط اعمال خوب خویش چقدر ناتوان و بی یاور هستیم ، و از جهتی دیگر به ما نشان می دهد که ما چقدر به یک میانجی و تبدیل کننده احتیاج داریم . این چاره و میانجی همانا ایمان به عیسی مسیح بعنوان تنها امید نجات است . این عمده مباحث پولس در قسمت دوم باب سوم و نیز آغازین آیات باب چهارم می باشد . او این موضوع را با استفاده از طرح و بیان یک قیاس و همانندی معمول در دنیای قرن اول میلادی ارائه و گسترش می دهد . خانواده های متمول و متشخص یک برده بعنوان لاله فرزندان خود و معلم سرخانه استخدام می کردند تا تعلیم و تربیت را به پسران آنان بیاموزد . شغل این برده یا معلم سرخانه واقعاً این نبود که همه چیز را برای پسران برای رسیدن به بهترین درجه و مقام در مدارس آماده کند ، بلکه بیشتر تادیب و انضباط بخشیدن بوی برای یادگیری درسهایش بود . حال در اینجا ، پولس می گوید ما در همان موقعیت آن پسر جوان در حال یادگیری هستیم . ما ممکن است تمام داراییها و القاب خانواده را به ارث ببریم . (۴ : ۱) اما در واقع ما بهتر از آن بردگان نیستیم زیرا ما تحت تسلط و حاکمیت شریعت هستیم (۴ : ۲) هنگامی که ما برده گناه می بودیم و نیز تحت اسارت نیروهای روحانی شریر و شیطان (۴ : ۳) آنچه که ما را ضعیف و تحت سلطه گناه می داشت این بود که شریعت آشکار می کرد که ما تحت نفوذ طبیعت و حضور گناه هستیم (۳ : ۲۱ - ۲۳) . اما شریعت و قانون اگرچه در عمل منفی است ، اما در هدف خوب و مقدس است ، زیرا بجهت این استفاده می شود که ما را به مسیح می رساند آن مسیحی که ما می توانیم با ایمان به وی عادل شمرده شده از تمام اسارتها آزاد گردیم . (۳ : ۲۴-۲۵) .

پسر خدا

در اینجا پولس به قلب موضوع می رسد ، آیه چهارم باب چهارم . هنگامی که ما بی یاور و عاجز بودیم ، زمانی که اسیران گناه و زیر محکومیت صرف شریعت بودیم ، وقتی ما بردگان نیروهای شریر که دنیا را هدایت می کنند بودیم ، در آن زمان چیزی عجیب را برای کمک ما انجام داد (غلاطیان ۴ : ۴-۵) . دوباره به این موضوع پر جلال و فراموش نشدنی گوش فراد دهید . هر کلمه و هر عبارت حاوی مفاهیم عمیقی است .

پولس می نویسد " چون زمانها به کمال رسید " . و منظورش زمان دقیق و درست خداست ، خدا پسرش را به دنیا فرستاد . حال ما دیگر فرزندان خدا هستیم ، در یک نگاه ، توسط خلوص و پاکی خلقت (یعنی عیسی مسیح) . اما عیسی تنها پسر خداست ، تنها پسر واقعی و طبیعی و ذاتی خداست . فرزندان خدا ، به این معنا نیست که ما در همان طبقه و رتبه بلند عیسی مسیح قرار داریم . تفاوت ما و عیسی مسیح نه تفاوتی از نظر درجه و مرتبه است بلکه تفاوتی از نظر نوع و ماهیت است . عیسی فرزند خدایی بهتر از ما نیست . او فرزندی متفاوت است . او به پسر خدا ملقب است زیرا در طبیعت و ذات و جوهره خدا با وی برابر و شریک است . ما هم فرزندان خدا خوانده می

شویم ، چون او خود این مقام را برای ما مهیا کرده و به ما بخشیده است . اگر ما مسیحی هستیم ، از منظری ویژه و متعالی ما فرزندان خدا هستیم ، زیرا که او ما را با خانواده خویش تطبیق داده است ، و با نسل و نژاد خویش ، فقط توسط فیض و بر پایه کفاره و قربانی شدن مسیح برای هر کدام از ما .

پولس اضافه می کند که پسر الهی خدا از یک زن متولد شده است . این خیلی چیز عجیبی نیست که شخص از یک زن زاییده شود ، در واقع راه دیگری جز این نیست ! آنچه که عجیب و پر شکوه است ، اینست که اگر چه پسر خدا در ازلیت و ابدیت با پدر یکی است ، با اینحال می بایست از یک زن متولد شده و مانند هر یک از ما یا به این جهان بگذارد . او حقیقتاً خداست . او می توانست به یک باره در زمین ظاهر و پدیدار گردد ، یا مانند یکی از اجرام آسمانی به زمین نزول نماید ، اما در عوض او مانند ما به این جهان آمد ، از طریق تولد به همراه درد و خون انسانی (مادرش برای او نیز در زایمان را تحمل کرد) . او این کار را انجام داد زیرا او حقیقتاً یک انسان بود .

در کلیسای بشارتی در ناصره فلسطین ، درست در بالای نقطه ای که در باور عوام مریم مقدس مژده تولد پسری را دریافت کرد ، کتیبه ای سنگ نوشته به زبان لاتین وجود دارد که می گوید : در اینجا کلمه واقعاً جسم پوشید . و در واقع که عیسی چنین کرد .

سپس پولس اضافه می نماید که پسر خدا زیر شریعت و قانون خدا متولد گردید ، که بدین معناست که او از یک شخص عادی متولد نشد بلکه از یک زن ممتاز ، زنی یهودی و برجسته و برگزیده ، در زمان و محل ویژه . او یک انسان عامی و معمولی وابسته به تیره همه انسانها نبود ، او عیسی ناصری و یک یهودی بود . عبارت "متولد زیر شریعت" همچنین به این معناست که او تمام الزامات و وظایف شریعت را بعهده گرفت و برای آن پاسخگو بود . همانگونه که یک مناجات و دعای باستانی بیان می کند ، مسیح ، "از خدای پدر برای ما فرستاده شد تا شکاف ناطاعتی ما از قانون الهی را پر نماید ، قبول او با مرگ تلخ و شرم آور بر صلیب این محبت را برای ما به ارمغان آورد ." "بوسیله گرفتن زنجیرها و اسارتها بر خود" ، "او تمام گناهان ما را از ما گرفت و آنها را از ما دور کرد . بالاخرع اینکه خدا پسرش را فرستاد که از یک زن متولد یابد او زیر شریعت قدم به دنیا نهاد تا اینکه آنانی را که زیر شریعت اسیر و محکوم هستند آزاد فرماید . خداوند عیسی به جهان آمد تا ما را از اذ و احیا سازد ، او آمد تا ما را از اسارت و بردگی گناه بخرد . اطاعت بی چون و چرای مسیح ناطاعتی و سرپیچی ما را پوشانید و ملغی کرد . مرگ او بر صلیب جریمه و تاوان گناهان ما را که بوسیله شریعت اعلام می گردد پرداخت ، و بنابراین مرگ او ما را از مرگ و جهنم می رهاوند و آزادی از محکومیت و لعنت شریعت را برای ما به ارمغان می آورد . فرمانبرداری فروتنانه وی ، عدالت مطلق او و دیعه ای گرانبها از جانب او به ماست اگر فقط ما تمام آنچه را که او از ما می خواهد انجام دهیم .

فرزندان خدا

در اینجا خلاصه شگفت انگیز از حقیقت بشارت و انجیل مسیحی را مشاهده می کنیم : خدا یگانه پسرش عیسی مسیح را به جهان فرستاد ، از طریق نسل بشر ، او در زیر تمام الزامات شریعت و قانون خدا بدنیا آمد ، او تمام این قیدها و الزامات شریعت را بطور کامل حفظ کرد و نگاه داشت تا ما از آنها آزاد شده و نجات بیابیم . مرگ او رستگاری و نجات و آزادی ماست . زندگی او عدالت ماست . هنگامی که او را می شناسیم ، به او اعتماد و توکل می کنیم ، بنای ایمان خویش را بر وی می گذاریم ، به تبع آن نجات و حیات می یابیم .

اما هنوز چیزهای دیگر هم باقی است . پولس می گوید که خدا ، "عیسی را به دنیا فرستاد تا به آنانی که زیر لعنت و محکومیت شریعت هستند رستگاری بخشد ، بنابراین ما می توانیم فرزند خواندگی را بیابیم ." (غلاطیان ۴ : ۵)

ایمان به مسیح نه تنها ما را نجات میدهد بلکه هویتی کاملاً جدید و وضعیتی کاملاً نوین به ما می بخشد . ایمان به مسیح تنها باعث رستگاری صرف ما نمی شود ، بلکه این ایمان ما را تبدیل و نومی سازد . ما با قبول این فرزند خواندگی در واقع فرزند خدا می شویم . ما از حالت برده و اسیر به فرزند و پسر خواننده تبدیل می گردیم . چه تبدیل و تغییر شگرفی ! چگونه شما می توانید حتی تصور چنین موضوع پر جلالی را بکنید ! هیچ نوع قیاسی برای این عدالت وجود ندارد ، تاریخ بشر هیچ جا سراغ ندارد که چیزی شروع به بیان این تغییر عمیق و با شکوه نماید . این آزادی فراتر از هر داستان ساخته ذهن بشر برای آزادی دیگران است . خوشبختی در پس یک تیره و سراسر فقر و بیچارگی بیشتر یک رویا و داستان است ، اما در انجیل مقدس ، این حقایق شیرین باور نکردنی

همگی حقیقت دارند . مردان و زنان گمگشته و اسیر گناه بسوی خدا بازگشت کرده و به فرزندان او تبدیل می گردند ؟ این فقط از طریق ایمان به مسیح عیسی امکان پذیر است . و پولس اضافه می نماید که : (غلاطیان ۴ : ۶)

جان و سلی یکی از بزرگترین متفکران و رهبران مسیحی در همه زمانها، گفته است که علیرغم تلاش زود هنگام و فراوان مذهبی، علیرغم اعمال نیکو، با وجود این حقیقت که او یک بشر و خادم مقرر شده و برجسته، حتی یک مسئول خدمات روحانی، او فقط این حقیقت را می داند که "رستگاری در اثر این بدست آمد که او ایمانش را در مقام یک برده و اسیر تبدیل به ایمان به فرزند خواندگی نمود." می بینید که روح اسارت و بردگی که فقط چهره یک خدای ترساننده و جبار را نشان می دهد چگونه باعث اسارت انسان می گردد. اما روح القدس، هنگامی که به زندگی ما وارد می شود، قلوب و اذهان ما را می گشاید. به این حقیقت پر جلال که، اگر ما در مسیح باشیم، پس خدا پدر دوست داشتنی ماست. روح القدس با ما در سطحی عمیق تر مباحثه و جدل صحبت می کند، روح القدس ما را به سر منزل مقصود هدایت می کند به این حقیقت که با وجود اینکه ما پر از گناهان بودیم، مورد محبت خدا قرار گرفتیم و توسط مسیح پذیرفته شده ایم و او ما را دوست می دارد. او باعث می شود محبت فرزند خوانده بودن قلب نا را برای پاسخ به این محبت عظیم به جوشش در آورد، در آن وقت است که ما می توانیم فریاد بزنیم: "ابا... پدر... بابا". در این وقت است که ما در حقیقت در می یابیم که ما فرزندان واقعی خدا هستیم.

و به تبع این فرزند خواندگی ما خدا را به نحوی متفاوت از دیگر مردمان تجربه می کنیم. ما بسادگی به خدا دسترسی داریم و با او صمیمی و دوست هستیم، و از حضور او احساس آرامش و راحتی می کنیم. تفاوت بین برده و فرزند در همین است. یکی خادم و تحت امر است، و دیگری فرزندی کوچک اما در خانه نزد پدر مورد محبت است. در مقام فرزندان خدا، ما در ارتباط و مشارکت با وی امنیت و مشارکت داریم و از وضعیت و شناخت خویش توسط وی اطمینان داریم و نیز از محبت و علاقه او نسبت بخود مطمئن هستیم.

پولس چیزی دیگر اضافه می کند. (غلاطیان ۴ : ۷) پولس از مثال فرزندخواندگی برای نشان دادن ذات و طبیعت برکت و فیض رستگاری استفاده می نماید. اما حتی این مثال هم کاملاً حق مطلب را ادا نمی کند. در اجتماع امروزی ما، در جاییکه تامین سلامتی و تندرستی کودکان بسیار محدود و دشوار است، در جایی که بسیاری از زوجهای فاقد فرزند سعی بر داشتن فرزند خوانده دارند. فرزند خواندگی همانقدر که برای پدر و مادر لذت بخش است که برای آن کودک. اما در دنیای باستان، برکت و شادی در یک چیز بود. این برکت فقط در صلح کامل یافت می شد، تغییر کامل وضعیت حال و آینده زندگی یک برده به یک وضعیت پا مثال محیج و با شکوه. پس با قبول فرزند خواندگی، ما در واقع فرزند خدا می گردیم، از اسارت آزاد و فرزند خوانده می شویم، و اگر فرزند هم هستیم حتماً وارث هم می باشیم. و میراث ما در آینده چه می تواند باشد؟ در یک جمله می توان این طور گفت: جلال و شکوه آسمانی است. (رومیان ۸ : ۱۷).

اطمینان خاطری که خدا به ما می بخشد، اینستکه او آینده ای برای ما ترسیم کرده است که یک زندگی لذت بخش بدون اشک و ناله، نور بدون سایه و تاریکی، لذت و آرامش بدون درد، بدست آوردن بدون ترک و از دست دادن و زندگی بدون مرگ می باشد. و تمام این چیزها متعلق به شما خواهد بود. به همراه تمام ایمانداران همه اعصار شما نیز می توانید فرزند خدا گردید. می پرسید چگونه؟ فقط بوسیله قرار دادن اعتماد و ایمانستان بخداوند عیسی مسیح و تقدیم زندگیتان به او اینکار میسر است. خدا منتظر است برای فرزند خواندن شما به عنوان عضوی برجسته از خانواده الهی خودش. حضور امن و آرام خدا و شادی و لذت و آینده پر جلال و شکوه فرزندان خدا می تواند متعلق به شما نیز باشد. این موهبت بزرگتر از برنده شدن در بزرگترین بخت آزمایی دنیا یا متعلق بودن به یک خانواده سلطنتی و اشرافی، یا دریافت جایزه بزرگ نوبل می باشد. واقعاً این محبت عظیم و هدیه بینظیر را با هیچ چیز دیگر نمی توان مقایسه کرد. در مقام یک فرزند خدا، شما وضعیتی بینهایت خوب و خوش خواهید داشت، منشاء و سرچشمه فیض و قدرت الهی و یک آینده پر جلال فنا نا پذیر متعلق به شما خواهد بود. و در خاتمه اینکه تمام این چیزها مال شما خواهد بود اگر فقط به او ایمان آورید.

از بردگی به فرزندی / "فقط بوسیله ایمان : مباحث درسهایی از رساله پولس به غلاطیان" قسمت پنجم.

کلام امید ۲۰۰۲/۰۵/۰۵/۲۱۴۳